

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ...
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۹۸/۹۱۰۸ رده بندی کنفرانس: ب ۵۷/۶۶۰

بررسی جلوه هایی از اندیشه کلامی سعدی در بوستان، گلستان و

قصاید (با تاکید صفات الهی)

نسرين محمدی سراب^۱

دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج

آگاهانه حیدری

دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج

چکیده

سعدی شیرازی، یکی از بزرگ ترین شاعران و متفکران ادبیات فارسی، در قرن هفتم هجری است که در آثار خود "بوستان" و "گلستان" و قصایدش به مسائل کلامی و دینی پرداخته است. اندیشه های کلامی سعدی در این آثار، ترکیبی از آموزه های توحیدی، معادی و اخلاقی است که از اصول کلامی اسلام به ویژه آموزه های اهل سنت و فلسفه اسلامی تأثیر پذیرفته است و در بیان مباحث کلامی خود به مفاهیم مهمی چون توحید، صفات الهی، قضا و قدر، جبر و اختیار، رویت الهی، ناتوانی عقل در شناخت خداوند، عدل الهی و معاد پرداخته و این آموزه ها را در قالب حکایات اخلاقی و فلسفی به مخاطبان خود انتقال داده است و در محتوای اشعار و انتقال معانی عرفانی، تعلیمی، اخلاقی و کلامی تحت تأثیر مکتب کلامی اشاعره بوده و پژوهش انجام شده خواننده را به این امور مهم می رساند که علاوه بر موارد یاد شده، در باب توحید و خداشناسی از چاشنی عرفان نیز بهره برده است و معتقد به شناخت خداوند از طریق عشق و دل نیز می باشد. از نظر مذهب کلامی، تابع اشعریان بوده است و متکلمی میانه رو و

^۱ نویسنده مسئول



معتدل و مرشد و معلّم اخلاق بوده و انسان را مسئول اعمال خود می‌داند و آثارش بازتابی از تفکر عمیق و عقلانی او در راستای اندیشه‌های کلامی می‌باشد و این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات براساس روش کتابخانه‌ای انجام شده‌است.

واژگان کلیدی: سعدی شیرازی، اشاعره، کلام اسلامی، معتزله، صفات الهی

۱. مقدمه

۱-۱ بیان مسئله

علم کلام اسلامی، به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی فکری و دینی به مطالعه و بررسی مسایل دینی و فلسفی در اسلام می‌پردازد، تا از این راه درک بهتری از اسلام و دین به مردم ارایه دهد. "کلام"، دانشی است که با ارایه مباحث اصول اعتقادی و جهان‌بینی دینی، بر مبنای استدلال عقلی و نقلی می‌پردازد و شبهات مرتبط با این دانش را مانند اثبات وجود خداوند، حدیث و قدیم بودن جهان هستی و مسایل مرتبط با نبوت و عدل الهی... پاسخگو می‌باشد.

مباحث کلامی از گذشته تا به امروز متنوع بوده‌است و با توجه به شرایط و نیازهای هر دوره، موضوعات آن تغییر کرده‌است. مباحث کلامی در گذشته بیشتر بر مسایل مذهبی از جمله قضا و قدر، توحید، نبوت و معاد... متمرکز بوده‌است، اما در زمان حاضر بیشتر به تحلیل آیات و حدیث‌های مرتبط با مسایل کلامی و تفسیر و تبیین مفاهیم دینی و پاسخ به تردیدهای مطرح شده، درباره دین و بررسی اندیشه‌های دانشمندان مسلمان در زمینه‌های مختلف مسایل اخلاقی و غیره می‌پردازد.

«سعدی شیرازی یکی از شاعران نامدار و بزرگ قلمرو زبان فارسی است، ایشان در طول حیات طولانی و پر بار خود تقریباً سراسر قرن هفتم هجری را، از حضور و نفوذ خود سرشار کرده‌است و فروغ شهرت او تا امروز در سراسر آفاق و فرهنگ ادب ایران یک لحظه افول نکرده‌است» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۲۰). این



قدیمی نیکو کار نیکی پسند
به امرش وجود از عدم نقش بست
به کلک قضا در رحم نقش بند
که داند جز او کردن از نیست، ه
بصر منتهای جمالش نیافت
بشر ماورای جلالش نیافت
(کلیات: ۳۰۶)

در پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مباحث کلامی، به بررسی آثار سعدی(بوستان، گلستان، قصاید) با تاکید بر صفات الهی پرداخته شده و ضمن طبقه بندی اشعار شاعر و میزان تأثیری که شاعر از اندیشه‌های کلامی در سرودن اشعارش داشته‌است، مورد بررسی قرار گرفته و سعی بر آن است که نشان بدهیم که : ۱- اندیشه‌های کلامی چه تأثیری در آثار شاعر داشته است؟ ۲- سعدی در چه زمان‌هایی و به چه دلایلی از اندیشه‌های کلامی استفاده کرده‌است؟ ۳- مشرب کلامی سعدی در اشعارش چیست؟

۱-۲ پیشینه پژوهش

اکبرزاده و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله‌ی خود به بررسی و تحلیل بنیان‌های تعلیمی در رباعیات سعدی پرداخته است و معتقد هستند که نگاه فلسفی سعدی به حیر و اختیار کاملاً تعلیمی است، یعنی انسان با



جبر روزگار و جبر رحمانی خداوند تأدیب می‌شود و با قدرت اختیاری که دارد می‌تواند پندهای اخلاقی و انسانی را فرا گیرد و آن‌ها را در همه‌ی شئون زندگی خود به کار ببرند. پس شاعر به وجود جبر در زندگی انسان‌ها و هم وجود اختیار معتقد است.

محمدی و اربابی (۱۴۰۰) در مقاله به بازتاب حکمت عملی بوستان و گلستان سعدی در اشعار بلوچی مولوی عبدالله روانبد، و تأثیر کلام شاعر از افکار و اندیشه‌های سعدی پرداخته است. آنان به مفاهیم مشترکی از جمله قدرت و صفات خداوند، رازق و روزی رسان بودن خداوند، ناتوانی عقل انسان از شناخت خداوند و ... اشاره کرده اند.

ضیائی (۱۳۹۷) در مقاله خود تحت عنوان انعکاس تفکر اشعری در افکار سعدی پرداخته است و بر این باور است که سعدی چون در مدرسه نظامی بغداد درس خوانده است، از تفکر کلامی پیرو مکتب اشاعره هستند.

ظهیری ناو پورمحمد (۱۳۸۷) مقاله ای تحت عنوان دید گاههای کلامی سعدی بر بنیاد قصاید به دلایل و زمینه‌های تاریخی گرایش سعدی به کلام اشعری را باز نموده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱- سعدی شیرازی

به قول استاد بهار «سعدی بزرگ‌تر از آن است که لازم باشد در تعریف وی وقت صرف کرد، چه دفتری که ذکر جمیل و شرح احوال و بزرگواری او خالی باشد». (بهار؛ ۳۳۴: ۱۳۸۰)

سعدی شیخ اجل شاعر بزرگ و مشهور در قلمرو زبان و ادبیات فارسی است. طبق اسناد و مدارک او در بین سالهای ۶۰۰ و ۶۱۵ (هـ.ق) در شهر شیراز دیده به جهان گشوده‌است، با آثار ارزشمند خود در عرصه زبان و ادبیات فارسی، ارزشمندترین گنجینه نصیحت‌ها و عبرت‌ها را برای نسل آینده به جا گذاشته است.

«شیخ الامام المحقق، ملک الکلام، افصح المتکلمین، ابو محمد مشرف الدین مصلح بن عبدالله بن مشرف السعدی الشیرازی، بی تردید یکی از بزرگترین شاعران است که بعد از فردوسی، آسمان ادب فارسی را به

تن آدمی شریفست بجان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت»

(صفا: ۱۳۶۹: ۵۸۴)

۱-۳- شرایط اوضاع اجتماعی ایران در عصر سعدی

دوران زندگی شیخ همزمان با حمله مغول به ایران بوده است که یکی از ویرانگرترین، مرگبارترین و بی‌رحمانه‌ترین حمله‌ی بیگانگان به ایران بوده‌است. مغول‌ها که قومی وحشی و بیابان‌گرد بودند و با حمله‌هایی که به ایران داشتند، تلخ‌ترین و خون‌بارترین روزها را در تاریخ ایران رقم زدند.

در شیراز زادگاه سعدی، ممدوحان شاعر یعنی اتابک مظفرالدین ابوبکر پسر سعدین زنگی با مغولان از در صلح و مجادله در آمده بود و توانست شیراز را از حملات وحشی گرایانه مغول در امان نگه دارد

«ایرانیان در این دوره پرحادثه به اندازه تمام تاریخ گذشته و آینده خود رنج کشیدند و گرچه فرهنگ نیمه جان خود را با کوشش‌های مداوم زیر لطمات سخت بهرگونه‌ای میسر بود، نجات بخشیدند، اما در مقابل بسیاری از آثار مطلوب، جریان‌های سیاسی و اجتماعی این عهده، خواه ناخواه نگاه داشتند.» (صفا؛ ۱۳۶۹: ۱)

۱-۴- علم کلام

علوم اسلامی در کلّ به دو دسته تقسیم می‌شود؛ علوم نقلی، که به آن دسته از علوم گفته می‌شود که مستقیماً با متون دینی سرو کار دارد مانند؛ تفسیر قرآن، حدیث، فقه و اصول فقه است.

دسته‌ی دوّم، علوم عقلی؛ که به آن دسته از علوم اطلاق می‌شود که با استدلال عقلی سرو کار دارد، مانند؛ فلسفه، عرفان و کلام است.



«یکی از علوم اسلامی، علم کلام است. کلام، علمی است که درباره‌ی عقاید اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت، بحث می‌کند؛ به این نحو که آنها را توضیح می‌دهد و درباره‌ی آنها استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌کند.» (مطهری؛ ۱۳۶۸: ۵)

"علم کلام" در اسلام، علمی است که در آن از ذات و صفات خدای تعالی و حدوث و قدوم و احوال ممکنات از مبدا و معاد و از جبر و تفویض و نبوت و امامت با اقامه ادله منطقی و فلسفی بحث می‌شود." (مشکور؛ ۱۳۸۶: ۱)

۱-۵- متکلم

"دهخدا" در لغت نامه خود متکلم را چنین تعریف کرده است: «متکلم [مُتَكَلِّمٌ] سخن گوینده و تکلم کننده. گوینده و سخن گو و سخن‌ران و سخن‌پرداز، سخن گو، کلیم و گویا، ناطق، خطیب، واعظ. ج متکلمین و متکلمون» (دهخدا؛ ۱۳۷۷: ۲۰۲۱)

متکلمان اسلامی، کسانی هستند که به مباحث و بررسی‌های عقلی درباره اصول و احکام دین می‌پردازند و در امور دینی و اسلامی صاحب نظر و مجتهد هستند. آنها با استفاده از منطق و عقل به توضیح و تبیین مسایل عقیدتی، فقهی در اسلام می‌پردازند.

۱-۶- چگونگی و علت پیدایش علم کلام

در زمان پیامبر (ص) جنگ‌ها و فتوحاتی که مسلمانان انجام می‌دادند، باعث گسترش قلمرو اسلامی شد و مسلمانان با ادیان و اقوام دیگری چون ایرانیان، زردشتیان، یهودیان و مسیحیان وارد رابطه سیاسی و فرهنگی شدند و از نظر عقیده و فرهنگ دچار اختلافاتی شدند. پس به ناچار باید مسلمانان به علومی مجهز می‌شدند تا بتوانند با استفاده از آن، در مقابل شبهاتی که به دین و عقیده آنها وارد می‌کردند، پاسخ بدهند و این یکی از علل پیدایش کلام در میان مسلمانان شد.

«از منابع معتبر اسلامی برمی‌آید که بحث و جدال در مورد مسایل عقیدتی در زمان پیامبر (ص) رایج نبوده و ایشان اهل جدال نبوده‌اند و با روش فیلسوفان سخن نمی‌گفته و هیچ گاه در محاسبه، مسلک



متکلمان را نپیموده است. اختلاف مذهبی که بعد از فوت پیامبر(ص) در میان مسلمانان رواج پیدا کرده، سه مبنای اساسی دارد: نخست مسئله جانشینی(خلافت و امامت). دوم اختلاف در روش فقهی (فروغ و احکام). سوم اختلاف در اصول عقاید. علاوه براین مسایل، فتوحاتی که نصیب مسلمانان شد با اقوام دیگر آمیزش یافتند، پس مسلمانان باید با اصول عقیدتی آشنا باشند، در نتیجه علمی پیدا شد به نام‌های مختلف، از جمله علم اصول دین، فقه اکبر، علم نظر و استدلال، علم توحید و صفات نام گرفت. ولی سرانجام به «علم کلام» شهرت یافت، اصطلاح کلام و متکلم در فرهنگ اسلامی رایج شد.»(احمدی؛ ۱۳۹۱: ۵۰-۴۹-۴۶)

۷-۱- فایده علم کلام

علم کلام اسلامی با تبیین و تفسیر مسایل و مفاهیم عقیدتی، پاسخگویی شبهات و تردیدها در این حوزه است. کلام باعث تقویت ایمان و باورهای دینی مسلمانان با استفاده از دلایل عقلی و نقلی می‌شود، دفاع منطقی و علمی و باورهای اسلام در برابر انتقاد و طعنه‌های دشمنان دین اسلام می‌شود، همچنین باعث ترویج فرهنگ مناظره و گفتگوی عملی و منطقی در حوزه عقاید می‌شود.

امام محمد غزالی در یکی از کتاب‌های خود، در مورد فایده علم کلام و متکلم می‌گوید: «هدف از این دانش، نگهداری عقیده اهل سنت و نگرهبانی از آن در برابر آشوب بدعت‌کاران بود. مردم وقتی به این بدعت‌ها روی آوردند، نزدیک بود حق بر پیروانش مشتبه گردد، خداوند متکلم را به وجود آورد و انگیزه‌های آن را برای یاری دین حرکت بخشید و آنان با سخن محکم به کشف تزویرهای بدعت‌گذارانی که برخلاف سنت ارزشمند پراکنده بودند، پرداختند.» (غزالی؛ ۱۳۶۲: ۲۹)

۸-۱- مکتب‌های کلامی

دین اسلام مانند هر دین دیگر، با گسترش قلمرو و آشنایی با ملت‌ها و ادیان دیگر از درون دچار تفرقه و جدایی شد. همین امر باعث به وجود آمدن فرقه‌های گوناگون در میان مسلمانان شد. از جمله این فرقه‌ها می‌توان به اختصار به موارد زیر اشاره کرد.



۱-۸-۱- خوارج

پس از جنگ صفین و درگیرهایی که میان حضرت علی(ع) و معاویه شکل گرفت، خوارج به وجود آمد. یکی از فرقه‌های اولیه در اسلام می‌باشد.

((خوارج براین باور هستند که بر مسلمین واجب است هر که را در کتاب‌های ایشان ناسازگار است، به توبه وادارند و هرگاه، توبه را پذیرا شود، از گناهانش درگذرند و گرنه او را هلاک سازند، خواه باشد و خواه نباشد.)) (احمدی، ۱۳۹۱: ۵۶)

۱-۸-۲- شیعه

پس از رحلت پیامبر(ص)، برسر جانشینی میان مسلمانان تفرقه و دو دسته‌گی به وجود آمد، مسئله‌ی مربوط به خلافت و امامت باعث این تفرقه و دو دسته‌گی در میان مسلمانان شد. عده‌ای براین باور بودند که امامت همان نبوت، منصب و مقام الهی است و از شرایط امام این است که معصوم از خطا و گناه باشد و این صفت را جز خداوند کسی نمی‌داند، بنابراین راه تعیین امام الهی است که در قرآن یا احادیث نبوی بیان شده‌است و اینان کسانی هستند که به شیعه مشهور شدند.

۱-۸-۳- مرجئه

یکی دیگر از فرقه‌های اسلامی مرجئه است. این فرقه که در زمان حکومت اموی شکل گرفت و یکی از فرقه‌های اهل سنت است. این فرقه بر این باور هستند که هرکس گناه کبیری مرتکب شده باشد، در آتش جاودان نیست؛ بلکه کار او به خداوند واگذار می‌شود. شهرستانی در کتاب خود مرجئه را به چهار طایفه تقسیم می‌کند: مرجئه خوارج، مرجئه جبریه و مرجئه خالصه، مرجئه قدریه، غیلانیه دمشقی نخستین کسی است که قول به «قدر» «ارجاء» را احداث نمود. (شهرستانی: ۱۳۵۰: ۱۸۰)



۱-۸-۴- قدریه

«پیدایش قدریه، واکنشی در برابر پیدایش جبریه است. عده‌ای از مسلمانان بر اثر توقف در ظواهر برخی از آیات قرآن و در نتیجه عقیده به قضای لازم و قدر حتمی، که در واقع التزام به نوعی جبر است، جامعه اسلامی را آماده تحمل ظلم به نام رضا به قضا و قدر الهی ساخته و به مسلمانان تلقین کرده بودند که خداوند تمام امور عالم، از جمله اعمال و افعال و سرنوشت بنی آدم را از خیر و شر از پیش تقدیر فرموده که تغییر و تبدل نمی‌یابد و جز تسلیم و رضا چاره‌ای نیست و هرگونه اظهار کرامت و شکایت از عدم رضا به قضا و قدر الهی نارواست.» (جهانگیری؛ ۱۳۶۷: ۶)

۱-۸-۵- جبریه

یکی دیگر از مکاتب کلامی، مکتب جبریه است. اصل این مکتب، سلب اراده و اختیار انسان است، یعنی انسان خود از هیچ گونه اختیاری در انجام کارهایش ندارد. «مجیره از قدیمترین کسانی هستند که به نشر این عقیده در میان مسلمین پرداخت. مردی به نام جهم بن صفوان از موالی خراسان بود که مدتی در کوفه زندگی می کرد و بعد کاتب حارث بن سریج که در خراسان برنصرین سیار، عامل بنی امیه خروج کرد و منهدم گردید و جهنم نیز مقید و مقتول شد (۱۲۸ هجری) و پیروان او را جهمیّه گویند. اینان معتقد هستند که انسان در اعمال خود مجبور است و خداوند اعمال او را همچنان مقدر کرد که برگ را می ریزد و آب را جاری می کند. هر فعل و عملی مخلوق باری تعالی است و انشعاب اعمال به مخلوق از راه مجازاست.» (صفا؛ ۱۳۶۹: ۵۳)

۱-۸-۶- ماتریدیه

این مکتب توسط شخصی به نام ابومنصور ماتریدی (متوفی ۳۳۳) به وجود آمد. مکتب ماتریدیه، آراء و نظرات ابوحنیفه را مورد توجه خود قرار می داد. در واقع این مکتب، یک نوع عقل گرایی متوسط بیان مکتب اشعری و معتزله بود که استفاده از عقل را به شرطی که استناد به نصوص و روایات باشد، می پذیرفتند.



۱-۸-۷- معترّله

معترّله یکی دیگر از مکاتب مهمّ کلام اسلامی در میان مسلمانان است. معترّلیان طرفدار قدرت و آزادی انسان در اعمال و کارهایشان است، اساس این مکتب بر عقل و خردگرایی استوار است. ظهور این مکتب در زمان بنی امیه و در دوران حکومت عبدالملک مروان (۸۶ تا ۶۵ هـ. ق) است.

«اعتقادی که تمام طوایف معترّله را شامل می‌باشد، آنست که گویند حق سبحانه تعالی قدیم است و قدیم بودن خاص‌ترین صفات ذاتی اوست، و نفی کننده صفات قدیم را گویند: حق تعالی صفات قدیم ندارد. پس گویند حق تعالی عالم است بذات خود یعنی: «علم عین ذات اوست، قادر است به قدرتی که آن نیز عین ذات اوست. پس اگر صفات او در قدیمی که خاص‌ترین وصف اوست، با وی شریک باشد، در خدایی باوی شریک باشد و تعدد الهیه یعنی دو و سه جمله بودن خدا لازم آید و این محال است.» (شهرستانی: ۱۳۵۰: ۶۷)

۸-۷-۸- اشاعره

اشعریان یکی دیگر از مکاتب مهمّ کلامی است که در میان مسلمانان جایگاه ویژه و خاصی دارد. اشاعره که به معنای سنت‌گرایی یا اهل سنت و جماعت هم در میان مسلمانان شناخته شده‌است. این مکتب توسط ابوالحسن اشعری (متوفی ۳۳۰) بنیان گذاشته شد.

«ابوالحسن اشعری از معدود کسانی بود که علم را تنها برای آگاهی از حقایق می‌طبیّد نه به خاطر مال‌اندوزی و نام‌جویی و جاه‌طلب، ایشان عالمی پرهیزگار و با تقوا بود. اشعری وقتی در مطالعات و استنباط‌های خویش به درجه اعلیٰ رسید و به نقل‌گرایی حشویه‌های حنبلی که یک تفکر تک بعدی و نادرست بود پی‌برد و از طرف دیگر عقل‌گرایی افراطی معترّله‌ها یک تفکر تک بعدی و ناصحیح می‌دانست، در نتیجه یک مکتب معتدل و متوسط بدور از افراط و تفریط معرفی کرد و مسلمانان را از دو دستگی و اختلافات رهایی بخشید.» (احمدیان؛ ۱۳۹۱: ۱۴۹، ۱۴۸).



11



جسم و عرض نیست. در قرآن کریم هم به صفات سلّیه خداوند اشاره شده است؛ «هُوَ الْاَوَّلُ وَ الْاٰخِرُ»^۱ «اوست اوّل و اوست آخر». ((اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ)) ((نیست خدای جز او)) ((لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّ لَا نَوْمٌ))^۲ ((او را نه سستی فراگیرد و نه خوابی))

۱-۹-۲- بررسی صفات سلّیه الهی در دیدگاه سعدی

سعدی در کتاب بوستان، به مسئله صفات سلّیه الهی اشاره می‌کند و معتقد است که خداوند از هرگونه محدودیت و کاستی و عیب مبرا است و خداوند بی‌نیاز مطلق است و ضدیت و تناقض به ذات و صفات خداوند راه ندارد.

ملک و پادشاهی خداوند، غنی و بی‌نیاز است و به عبادت و پرستش انسانها و سایر موجودات بی‌نیاز است.

برّی، ذاتش از تهمت ضد و جنس غنی، ملکش از طاعت جن و انس (کلیات: ۳۰۵)

سعدی در جای دیگر هم به اژلی و ابدی بودن خداوند اشاره می‌کند و خداوند را بی‌نیاز از تمام نیازهای مادی می‌داند و خاطر نشان می‌کند که ذات خداوند غنی و قدیم است، پس سزاوار پرستش و عظمت و بزرگی است.

مر او را رسد کبریا و منی که ملکش قدیم است و ذاتش غنی (همان: ۳۰۵)

در بیت دیگر از بوستان به عجز و ناتوانی انسان در شناخت خداوند اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که عقل و اندیشه انسان نمی‌تواند ذات و صفات خداوند را بشناسد و حتی از وصف خداوند هم ناتوان و ضعیف است، زیرا انسان که مخلوق و آفریده خداوند است چطور می‌تواند خالق و افریدگار خود را بشناسد و به ذات و وجود خداوند دست پیدا کند؟

۱ - حدید/۳

۲ - بقره/۲۵۵

13



۱-۱۱-۱- حیات

در میان متکلمان اسلامی، حیات به عنوان اولین صفات ذاتیه خداوند شناخته شده است. آنها معتقد هستند، خداوند متعال زنده وحی است. او خالق و هستی بخش حیات است. حیات یکی از صفات ذاتی و ازلی خداوند است که او را از موجودات بی جان و غیر زنده متمایز می سازد. حیات خداوند به معنای وجود مطلق و غنی از هر نوع نقص و کاستی است و حیات او نیز متفاوت از حیات موجودات است. خداوند با حیات بخشیدن به موجودات، آنها را از نیستی و عدم به هستی و وجود آورده است، به همین دلیل است که حیات یکی از کامل ترین و شگفت انگیزترین صفات خداوند است. پس خداوند خود زنده است و سرچشمه زندگی و حیات است.

۱-۱۱-۲- حیات الهی از دیدگاه سعدی

شاعر در بیت اول کتاب بوستان در مورد صفت حیات خداوند صحبت می کند. او زنده بودن خداوند و زندگی بخشیدن به موجودات را خاطر نشان می کند و معتقد است که خداوند زنده است و سرچشمه زندگی است. خداوند انسان را آفریده و به انسان قدرت سخن گفتن را داده است:

به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید (کلیات: ۳۰۵)

شاعر در بیتی دیگر از بوستان هم این مسئله را مطرح کرده است که این دنیا و تمام جهان هستی، به امر پروردگار به وجود آمد و تنها خداوند بزرگ می تواند انسان و جهان هستی را، از نیستی به هستی آورد:

به امرش وجود از عدم نقش بست که داند جز او کردن از نیست هست ؟ (همان: ۳۰۶)

شاعر در قصایدش نیز به مسئله حیات الهی اشاره کرده است و یادآور می شود که خداوند خالق مطلق جهان هستی است، خدوند قادر است که مرده ها را دوباره زنده کند، پس خداوند زنده است و زندگی و حیات از مهمترین صفات خداوند است:

الَّا هُوَ خَلَقَ الْاَرْضَ وَالسَّمَاءَ (همان: ۹۴)

«علم» یکی دیگر از صفات الهی است. «دلیل اینکه خداوند عالم و داناست، استواری و اتقان کارهای اوست و هرکاری که در آفرینش و زمین و ترتیب فصول و در پی آمدن شب و روز و خلقت جانوران بنگرد، آن را در می‌یابد. کسی که این کارها را منظم و استوار از او صادر می‌شود، ناچار باید که عالم و حکیم باشد. چون خدای تعالی واجب به ذات است و هرچه جز اوست ممکن به ذات است، ماسوای وی از مقدورات نسبت متساوی با او دارند و در پیشگاه قدرت او یکسان و معلومند.» (مشکور؛ ۱۳۶۸: ۱۶۶)

شاعر در ابیاتی که در مقدمه بوستان آورده‌است، بیان می‌کند که تمام هستی که با تمام عظمت و بزرگی و بدور از هرگونه هرج و مرج و بی‌نظمی، تنها یک قطره از دریای بی‌کران علم خداوند است. خداوند با علم و آگاهی تمام گناهان ما را می‌بیند و بر روی آن پرده عفو می‌کشد. خداوند قادر است که نطفه‌ی انسان را مانند پری و فرشتگان زیبا بیافریند و تنها خداوند قادر است که از یک قطره آب، صورت زیبا بیافریند و تنها اوست که لعل پیروزه رنگی را در دل سنگ قرار می‌دهد و بر روی شاخ درختان گلهای رنگا رنگی خلق می‌کند.

نهد لعل و پیروزه در صلب سنگ
گل و لعل در شاخ پیروزه رنگ

در جایی دیگر از بوستان، شاعر اشاره دارد که خداوند با علم و آگاهی خود بر تمام جهان هستی مسلط است و انسان با علم و اندیشه خود نمی‌تواند به علم و آگاهی خداوند در فرینش موجودات دست پیدا کند.



محیط است علم ملک بر بسیط

قیاس تو بر روی نگردد محیط (همان: ۳۰۷)

۱-۱۱-۴- اراده خداوند

شکی نیست که خداوند بزرگ دارای اراده کامل و مطلق است و هرچه بخواهد، انجام می‌دهد و هیچ چیز و هیچ کس قادر نیست مانع اراده الهی شود. «صفت اراده خداوند تابع علم است، یعنی هرچه علم به وجود آن تعلق پیدا کند، اراده نیز به آن متعلق می‌شود و بلافاصله بدون تخلف به وجود می‌آید.» (احمدی؛ ۱۳۹۱: ۸۸)

۱-۱۱-۳-۲- اراده خداوند در دیدگاه سعدی

سعدی در کتاب بوستان اشاره دارد که جهان هستی که از نیستی به وجود آمده‌است، به امر و اراده خداوند است و تا خداوند اراده نکند، هیچ امری تحقق پیدا نمی‌کند:

به امرش وجود از عدم نقش بست که داند جز او کردن نیست از هست (کلیات: ۳۰۶)

شاعر در جایی دیگر اشاره می‌کند که هرگاه خداوند اراده انجام کاری را بکند، اگرچه برخلاف جریان طبیعی این دنیا باشد، تحقق پیدا می‌کند خداوند به اراده‌ی و میل خود، به هرکس خوشبختی یا بدبختی می‌دهد.

همچنین به امر و اراده خود آتش سوزان بر حضرت ابراهیم سرد می‌شود و آب نیل بر دشمنانش مثل آتش سوزان می‌شود.. پس امر طبیعی به اراده خداوند خاصیت اصلی خود را از دست می‌دهد

یکی را بر سرنهد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت (همان: ۳۰۵)

کلاه سعادتی یکی بر سرش گلیم شقاوت یکی در برش

گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش برد ز آب نیل

ور این است، توقیع فرمان اوست (همان: ۳۰۶)

بی سکه‌ی قبول تو ضرب عمل دغل بی حاتم رضای تو سعی عمل هبا (همان: ۹۴)

«بدانکه قدرت وی مانع هیچ چیز نیست، بر همه چیز قادر است، قدرت و توانایی وی بر کمال است که هیچ عجز و نقصان و ضعف را بدان راه نیست، بلکه هر چه خواست کرد و هر چه خواهد کند و هفت آسمان و هفت زمین و عرش و کرسی و هر چه هست در قبضه‌ی قدرت وی مقهور و مستخر است و به دست هیچ کس جز وی هیچ نیست و وی را در آفرینش یار و انباز نیست.» (غالی؛ ۱۳۷۴: ۴)

به قدرت، نگهدار بالا و شیب خداوند دیوان روز حسیب

نه مستغنی از طاعتش پشت کس
نه بر حرف او جای انگشت کس (کلیات: ۳۰۶)

شاعر در قسمت های دیگر از بوستان به قدرت الهی اشاره کرده است و خداوند را قادر مطلق می داند و قدرت انسان در مقایسه با قدرت خداوند اصلاً قابل مقایسه نیست.



تو دانی که آخر قادرنیم

توانای مطلق تویی من کیم (همان: ۵۱۱)

همه هرچه کردم تو برهم زدی

چه قوت کند با خدایی خودی؟ (همان: ۵۱۰)

شاعر در قصایدش هم به مساله قدرت الهی اشاره کرده است و بیان داشته است که تمام شاهان و پادشاهان، در مقابل درگاه تو سرتعظیم فرود آورده‌اند و اگر همه‌ی را عذاب یا پاداش بدهی، کسی جرات اعتراض به کارهای خداوند را ندارد.

شاهان بر آستان جلالت نهاده سر

گردنکشان مطاوع و کیخسروان گدا

گر جمله را عذاب کنی یا عطا دهی

کس را مجال آن نه که آن چون و این چرا (همان: ۹۴۱)

۱-۱۱-۵- دیدگاه سعدی در مورد (سمیع، بصیر و متکلم) بودن خداوند

شیخ اجل سعدی، در بوستان به صفات سمیع و بصیر بودن پروردگار اشاره کرده‌است و براین باور است که، کسانی که به درگاه خداوند روی می‌آورند و از خداوند خواسته و خواهشی دارد، خداوند صدای آنها را می‌شنود و به آنها پاسخ می‌دهد و دعاهایشان را برآورده می‌کند.

فروماندگان را به رحمت قریب

تضرع‌کنان را به دعوت مجیب

بر احوال نابوده، علمش بصیر

به اسرار ناگفته، لطفش خبیر (کلیات: ۳۰۶)

در جای دیگر نیز به صفت بصیر بودن خداوند اشاره دارد و می‌گوید:

تو بینا و ما خائف از یکدیگر

که تو پرده پوشی و ما پرده در (همان: ۵۱۳)

شاعر در قصایدش هم به صفات سمیع و بصیر بودن خداوند اشاره کرده‌است و معتقد است تمام انسانها در هر لباسی باشند (پادشاه یا گدا) در درگاه او منتظر هستند که خداوند صدای آنها را بشنود و دعا های آنها را برآورده کند.



خواهندگان درگه بخشایش تواند

سلطان در سردادق و درویش در عبا

آن دست بر تضرع و این روی بر زمین

آن چشم بر اشارت و این گوش بر ندا (همان: ۹۴۱)

اما در مورد صفت متکلم بودن خداوند، همان طور که در قرآن و حدیث به آن اشاره شده است، خدا با برخی از پیامبران صحبت کرده است. مثلاً سخن گفتن خداوند با حضرت موسی: «و کَلَّمَاءَ مُوسَى لَمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَاهُ رَبُّهُ»

یتیمی که چرخ فلک طور اوست

همه نورها پرتو نور اوست (کلیات: ۳۰۷)

یتیمی که ناکرده قرآن درست

کتابخانه‌ی چند ملت بشست (همان: ۳۰۸)

مصراع اول بیت اول اشاره دارد به سخن گفتن خداوند با حضرت موسی و بیت دوم اشاره دارد به قرآن کریم که معجزه پیامبر ((ص)) است و تمام کتابهای اسمانی صفت خداوند است.

۱-۶- صفات فعلیه خداوند

صفات فعلیه الهی، بیانگر فعل و افعال پروردگار است.. «صفات فعلیه که بر کارهای خداوند دلالت می‌کند، مانند: «هُوَ الرزاق»^۱ «او بسیار روزی دهنده است». «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّر»^۲ «خدایی که طرح هستی و آفریدگار آن از نیستی و صورتگر جهان هستی است» «إِنَّ ذَٰلِكَ لَحِمَى الْمَوْتَى»^۳ «آن کسی که بی گمان زنده کننده مردگان است.» (احمدیان؛ ۱۴۰۰: ۲۸۶)

۱- ذاریات / ۵۸

۲- روم / ۵۰

۳- حشر / ۲۴



۱-۶-۱- صفات فعلیه لطف و رحمت و قهر و خشم خداوند از دیدگاه سعدی

سعدی شیرازی، در هر سه اثر خود (بوستان، گلستان و قصایدش) به تمام صفات فعلیه الهی، پرداخته است و در ادبیات چنین آورده‌است:

برآورد تهی دستهای نیاز ز رحمت نگردد تهیدست باز (کلیات: ۵۰۹)

عجب گر تو رحمت نیاری براو که بگریست دشمن بزاری او (همان: ۴۹۸)

زلطفت همین چشم داریم نیز براین بی‌بضاعت ببخش ای عزیز (همان: ۵۱۳)

شاعر در این ابیات در مورد لطف و رحمت پروردگار صحبت می‌کند کسانی که در درگاهش تضرع و زاری می‌کنند، رحمت خود را شامل حالشان می‌کند. سعدی در ادامه در مورد قهر و خشم خداوند صحبت می‌کند و خاطر نشان می‌شود که اگر خداوند از روی خشم و غضب، انسان را از درگاه خود براند، دست به دامن بزرگان می‌شود و آنها را شفیع و واسطه قرار می‌دهد.

سگا لند از او نیک مردان حذر که خشم خداست بیدادگر (کلیات: ۳۳۵)

به قهر او براند خدای از درم روان بزرگان شفیع آورم (همان: ۵۰۲)

اگر برجفا پیشه بشتافتی که از دست قهرش امان یافتی (همان: ۳۰۵)

شاعر در قصایدش هم به مسئله رحمت و لطف و قهر خداوند اشاره می‌کند و خداوند را رحمان و مهربان می‌داند و لطف و رحمت خداوند را مانند دریایی بی‌کران توصیف می‌کند و در مقابل لطف خداوند دارای قهر و خشم نیز است و انسانها تاب و توانایی مقاومت در برابر آن را ندارند.

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز

هزار (همان: ۹۵۰)

رحمت بارخدایی که لطیف است و کریم کرم بنده ندازی که رحیم است و ودود (همان: ۹۵۵)



نامید از در لطف تو کجا شاید رفت

تاب قهر تو نداریم خدایا زنهار (همان: ۹۶۰)

دریای لطف اوست و گرنه سحاب کیست

تابر مشرق و مغرب کند سخا (همان: ۹۴۱)

در گلستان هم سعدی به صفات قهر و لطف پروردگار اشاره کرده است و می‌گوید:

گر به محشر خطاب قهر کند

انبیا را چه جای معذرت است (همان: ۲۹۶)

برده از روی لطف گو بردار

کاشقیّا را امید مغفرت است (همان: ۲۹۶)

۱-۶-۲- حیات و موت در دیدگاه سعدی

شاعر در کتاب بوستان خود، در ابیاتی در مورد صفات (حیات و مرگ) خداوند صحبت می‌کند؛ و خداوند را سرچشمه زندگی و مرگ می‌داند. خداوندی که انسان را از نیستی به هستی آورده و در روز قیامت دوباره انسانها را زنده می‌کند.

تو اصل وجود آمدی از نخست

دگر هر چه موجود شد فرع توسست (کلیّات: ۳۰۸)

چو سلطان، عزم علم درکشد

چهار، سربه حیب عدم درکشند (همان: ۳۹۳)

اگر پهلوانی و گر تیغ زن

نخواهی بدر برد الا کفن (همان: ۴۹۵)

گرتیغ قهر اجل در قفاست

برهنه‌ست اگر جوشنش چند لاست (همان: ۴۳۲)

سعدی در قصایدش هم به این مسئله اشاره کرده است و می گوید: تنها خداوند قادر است که در فصل بهار از دل سنگ ها چشمه های گوارا جاری کند و در فصل سرما، همان آب جاری و روان را مانند سنگ به یخ تبدیل کند، یعنی حیات و مرگ تمام موجودات در دست خداوند است.

باری ز سنگ چشمه آب آورد یدید

باری از آب چشمه کند سنگ در شتا (همان: ۹۴۱)



۱-۶-۳- اعزاز و اذلال پروردگار

سعدی معتقد است که خداوند به هر کس که بخواند عزت و بزرگی می‌دهد و در مقابل هر کسی را که بخواند خوار و ذلیل می‌کند. او در این مورد نگاهی جبر گرایانه دارد و بر این باور است که خوشبختی و بدبختی انسان در دست خداوند است و انسان هیچ تاثیری در تغییر سرنوشت خود ندارد.

عزیزی که هر کز درش سر بتافت به هر در که شد هیچ عزت نیافت (کلیات: ۳۰۵)

یکی را بر سر نهاد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت (همان: ۳۰۵)

در ادامه شاعر در جای دیگر خاطرنشان می‌کند که خداوند همانطور که ما را در این دنیا عزیز و بزرگوار گردانیدی، در قیامت هم از تو انتظار داریم که ما را عزیز گردانی و هر کس که عزیز تو باشد، از هیچ کس خواری و ذلت نمی‌بیند.

چو ما را به دنیا تو کردی عزیز به عقبی همین چشم داریم نیز (همان: ۵۰۹)

عزیزی و خواری تو بخشی و بس عزیز تو خواری نبیند ز کس (همان: ۵۰۹)

خدایا به عزت که خوارم مکن به ذل گنه شرمسارم مکن (همان: ۵۰۹)

۱-۶-۴- رزق و روزی الهی، در آثار سعدی

سعدی در کتاب گلستان، در یکی از حکایت‌های کتاب، به مسئله رزق و روزی پرداخته است و بر این باور است که انسان از زمانی که به دنیا می‌آید، تا زمانی که می‌میرد، خداوند روزیش را می‌رساند. حکایت از زبان یک مرد و زن هست که صاحب فرزند شده‌اند و مرد، زمانی که متوجه می‌شود بچه دندان درآورده‌است، ناراحت و غمگین می‌شود و نگران از اینکه چطور غذای، بچه را تأمین کند. همسرش در جواب، رفتار مرد، به او می‌گوید: همان کس که به بچه دندان داده‌است، او نیز رزق و روزی بچه را



نتیجه گیری

شیخ اجل، سعدی شیرازی تحت تأثیر اندیشه‌های کلامی و مذهبی عصر خود بوده‌است و بسیاری از مباحث کلامی را با ظرافت و زیبایی ادبی در اشعارش آورده‌است، البته در سرودن اشعارش، مانند یک فقیه متعصب نیست، که به دنبال جدل و تعصبات مذهبی و قومی باشد، بلکه مباحث کلامی را به منظور ترویج مفاهیم اخلاقی و تعلیمی به کار برده است و در کتاب گلستان جز موارد انگشت شماری از مباحث کلامی استفاده نکرده است. اما کتاب بوستان بستر و میدان مناسبی برای مباحث کلامی او بوده است و در قصایدش نیز به نسبت گلستان مباحث بیشتری را بیان کرده‌است. او ایمان به خداوند و صفات الهی (توحید) را زیربنای تمام مباحث کلامی می‌داند و هر جا که لازم بداند در مورد توحید و صفات الهی صحبت می‌کند، گاهی مباحث را با چاشنی عرفان دلچسپ و شیرین می‌کند و به اشعار رنگ و بوی عرفانی می‌دهد. سعدی مانند متکلمان خداوند را واجب الوجود و قدیم و ازلی می‌داند. صفات الهی را باو دارد و معتقد است که صفات الهی همانند ذات خداوند، ازلی و قدیم است و صفات الهی را جدا از ذات خداوند می‌داند. خداوند را رازق و روزی رسان می‌داند و در بیشتر مباحث کلامی در مورد صفات الهی نگاهی جبرگرایانه به موضوع دارد و معتقد است که خداوند از ازل سرنوشت انسانها را رقم زده است و خداوند با علم و اراده و قدرت خود این جهان هستی را به وجود آورده است. سعدی با بهره‌گیری از اندیشه‌های کلامی اسلام، به ویژه مفاهیمی چون توحید، عدل الهی، معاد، اخلاق و اختیار، در "بوستان" و "گلستان" و قصایدش آموزه‌های دینی و فلسفی را به شیوه‌ای زیبا و قابل فهم برای عموم مردم بیان کرده است. او در آثار خود به مسئله توحید، یگانگی و بی‌همتایی خداوند به طور واضح پرداخته است. در "بوستان"، بسیاری از حکایات و آموزه‌ها بر اساس مفهوم توحید بنا شده‌اند و در آثار خود نشان می‌دهد که همه امور به خداوند باز می‌گردند و هیچ چیز مستقل از اراده و خواست او نیست. در حقیقت، شیخ اجل به نوعی، معانی کلامی را از مسیر اخلاقیات و رفتار فردی به دنیای معنا و حقیقت می‌رساند و با بیان حکایاتی ساده و در عین حال عمیق، آموزه‌های دینی در مورد معاد و پاداش و کیفر اعمال انسانها را تبیین می‌کند و در آنها بیشتر بر مفهوم اختیار تأکید دارد و انسان را موجودی مسئول می‌داند که با اعمال خود می‌تواند سرنوشت خود را رقم بزند. او، شاعری میانه‌رو و معتدل است و چون در نظامیه بغداد درس



خوانده ، تحت تاثیر مکتب اشعری قرار گرفته است و در اشعارش اندیشه‌ها و افکار کلامی را بازگو کرده و گسترش داده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- احمدیان، ملا عبدالله، سیر تحلیلی کلام اهل سنت از دیدگاه اشعری، ۱۴۰۰، تهران، انتشارات احسان

- احمدی، جمال، اندیشه‌های کلامی مولوی کرد، ۱۳۹۱، سنندج، انتشارات آراس

- احمدی، احمد، سعدی و حسن و قبح افعال، ۱۳۶۴، در ذکر جمیل سعدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- اشعری، ابوالحسن، مقالات السلامین، ۱۳۹۷، ترجمه محسن مؤیدی، تهران، انتشارات امیرکبیر

- اکبرزاده، حمزه و دیگران (۱۴۰۱) بررسی و تحلیل بنیان‌های تعلیمی در رباعیات سعدی، جیرفت نشریه علمی پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دانشگاه آزاد جیرفت، شماره ۵۳

- اربابی و محمدی (۱۴۰۰) بازتاب حکمت عملی بوستان و گلستان سعدی در اشعاربلوچی مولوی عبدالله روانبد، نشریات ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سیزدهم، شماره ۲۵: ص ۲۵۳-۲۸۴

- آقاحسینی، حسین، بررسی اندیشه‌های کلامی سعدی براساس یک حکایت، (۱۳۸۱) مجله علمی - پژوهشی، دانشکده علوم ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، شماره ۲۸ و ۲۹

- بهار محمدتقی، سبک‌شناسی، ۱۳۸۰، انتشارات توس

- حلبی، علی اصغر، تاریخ علم و کلام در ایران و جهان اسلام، ۱۳۷۶، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر

- حسن لی - کاووس، چهره سعدی در آینه‌ی موج‌دار، ۱۳۷۹، مجله زبان و ادب دانشگاه علامه طباطبائی، دوره سه، شماره یازده، (۱۴۰ تا ۱۵۱)

- دهخدا - علی‌اکبر - لغت‌نامه، ۱۳۷۷، انتشارات مؤسسه لغت‌نامه دهخدا

- سعدی مصلح‌الدین، بوستان، ۱۳۶۴، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، انتشارات خوارزمی

- _____، کلیات، ۱۳۸۵، تهران، انتشارات هرمس

- شهرستانی، عبدالکریم، الملل النحل، ۱۳۵۰، تهران، انتشارات اقبال

- شمسیا، سیروس، سبک‌شناسی نثر، ۱۳۷۷، تهران، انتشارات میترا

- _____، سبک‌شناسی نظم، ۱۳۷۶، تهران، انتشارات فردوس

- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، ۱۳۶۹، تهران، انتشارات فردوس

- ضیایی، انور، بررسی تطبیقی توحید افعالی از دیدگاه قرآن و سعدی شیرازی، (۱۳۹۸)، ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر (۳۳۷-۳۶۰)

- ظهیری ناو، بیژن و شریفی، شهلا، چگونگی تأثیر تفکر اشاعره در گلستان سعدی، ۱۳۹۲، فصلنامه علمی - پژوهشی آینه‌ی معرفت، سال دوازدهم، شماره سی و ششم (۱۱۶-۸۹)

- ظهیری ناو، بیژن و ابراهیم پور، محمد، دیدگاه کلامی سعدی بر بنیاد قصاید، ۱۳۸۷، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۶ (۳۵-۶۴)

- غزالی، امام محمد، زاد آخرت، ۱۳۷۴، مرکز مطالعات ملل و نحل، کتابخانه تخصصی ملل

_____، شک و شناخت، ۱۳۶۲، ترجمه صادق آئینه وند، تهران، انتشارات امیرکبیر

مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (۲)، ۱۳۶۸، انتشارات صدرا

مشکور، محمدجواد، سیر کلام در فرق اسلام، ۱۳۶۸، انتشارات شرق

لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بی‌ژوهترها علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

اکانت اینستا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
لحنت پوشش خبری صداوسیما

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

